

## Security Arrangements in West Asia and Its Impact on the Security of the Islamic Republic of Iran (From the Copenhagen School Perspective)

Shahram Mohammadi<sup>1</sup>, Seyed Farshid Jafari Pabandi<sup>2</sup>, Mahdi Khosh khatti<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. Candidate, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.  
mr.shahram.mohammadi4284310119@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of International Relations, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran  
(Corresponding author). fjafari@zaj.ac.ir

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of International Relations, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.  
m.khoshkhatti55@gmail.com

### Abstract

The present study aims to examine the security arrangements in West Asia and their impact on the security of the Islamic Republic of Iran from the Copenhagen School perspective. The research is based on the hypothesis that "Iran's security approach in West Asia is participation-oriented, prioritizing the linkage of security with development, especially economic, social, and political development." The research method is descriptive-analytical, and Barry Buzan and Ole Wæver's security theory is utilized for the analysis. The results indicated that the Islamic Republic of Iran pursues a policy of de-escalation in the West Asia region. This goal is achieved only through comprehensive cooperation among the West Asian states. In fact, Iran seeks to strengthen its position in the West Asia region through these de-escalation efforts and to reduce the increasing role of extraregional powers in West Asia, ultimately aiming to eliminate them from the region. Contrary to the usual practice in international politics, the Islamic Republic of Iran does not prioritize intergovernmental relations but focuses its attention and priority on the region's nations, especially in West Asia. "Forward defense" and "strategic depth" are components of the Islamic Republic's power, with the strategic depth sometimes being more imperative than national obligations. Therefore, the strategic depth of the Islamic Republic in combating terrorism is not confined to within its borders; rather, it responds to any serious threat against national and regional peace and security through its legal presence, as requested by the governments. Overall, the Islamic Republic of Iran's security strategy and approach neutralize the plans of extraregional powers, suppress terrorists, and ensure its national security.

**Keywords:** Security, West Asia, Islamic Republic of Iran, Copenhagen School, United States, Foreign policy.

Received: 2023-09-06 ; Received in revised form: 2023-10-11 ; Accepted: 2023-11-19 ; Published online: 2023-12-22

<https://doi.org/10.22034/SM.2023.2016911.2159>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## ترتیبات امنیتی غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (از منظر مکتب کپنهاگ)

شهرام محمدی<sup>۱</sup>، سید فرشید جعفری پابندی<sup>۲</sup>، مهدی خوش خطی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.  
mr.shahram.mohammadi4284310119@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).  
fjafariz@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.  
m.khoshkhatti55@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ترتیبات امنیتی غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران از منظر مکتب کپنهاگ است. پژوهش بر این فرضیه استوار است که: «رویکرد امنیتی ایران در غرب آسیا، مشارکت‌محور است؛ به نحوی که پیوند امنیت با توسعه، و بویژه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در اولویت آن قرار داشته است». روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و برای تحلیل موضوع، از نظریه امنیتی «باری بوزان» و «الی ویور» استفاده شده است. نتایج نشان داد، جمهوری اسلامی ایران به دنبال سیاست تنش‌زدایی در منطقه غرب آسیا است. این هدف محقق نمی‌شود، مگر از طریق همکاری همه‌جانبه دولت‌های غرب آسیا با یکدیگر. در واقع ایران با این تنش‌زدایی‌ها قصد دارد، اولاً، جایگاه خود را در منطقه غرب آسیا تحکیم بخشد، و ثانیاً، از نقش‌آفرینی فراینده قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه غرب آسیا کاهش دهد، تا در نهایت آنها را از منطقه حذف نماید. جمهوری اسلامی ایران برخلاف رویه معمول در سیاست بین‌الملل، اصل را بر روابط میان‌دولتی قرار نمی‌دهد و توجه و اولویت خود را، بخصوص در غرب آسیا، بر ملت‌های منطقه معطوف نموده است. «دفاع از دور» و «عمق راهبردی» از مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی است، امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجبات کشور هم واجب‌تر است. لذا، عمق راهبرد جمهوری اسلامی برای مبارزه با تروریسم، محدود به داخل و مرزها نیست، بلکه هر تهدید جدی علیه صلح، امنیت ملی و منطقه‌ای را با حضور قانونی خود، یعنی به خواست دولت‌ها، پاسخ می‌دهد. به‌صورت کلی، راهبرد و رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران، طرح قدرت‌های فرامنطقه‌ای را خنثی، تروریست‌ها را سرکوب کرده و امنیت ملی خود را تأمین کرد.

**واژه‌های کلیدی:** امنیت، غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران، مکتب کپنهاگ، امریکا، سیاست خارجی.

**استاد به این مقاله:** محمدی، شهرام؛ جعفری پابندی، سید فرشید؛ خوش خطی، مهدی (۱۴۰۲). ترتیبات امنیتی غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (از منظر مکتب کپنهاگ). *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴): ص ۳۳۹-۳۵۶. 2159. 2016911. 10.22034/SM.2023.2016911.2159  
<https://doi.org/10.22034/SM.2023.2016911.2159>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

<http://sm.psas.ir>

© نویسنندگان

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جهانی شدن، حملات ۱۱ سپتامبر و بیداری اسلامی در کشورهای عربی، مهم‌ترین تحولات تأثیرگذار بر ترتیبات امنیتی غرب آسیا در سه دهه اخیر هستند. بحران‌های موجود در غرب آسیا باعث دگرگونی نظام سیاسی و امنیتی منطقه شده است؛ به طوری که منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. بحران در کشورهای منطقه و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رقیب ایران در ایجاد این بحران‌ها، پیامدهای منفی برای امنیت و منافع ملی ایران به دنبال دارد. لذا، پژوهش حاضر درصدد است تا فرصت‌ها و تهدیدات جنبش‌های اجتماعی منطقه غرب آسیا برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کند. در حال حاضر، ظهور جنبش‌های مردمی با ویژگی‌هایی مانند عدم خشونت، تأکید بر حقوق مردم، فقدان رهبری کاریزماتیک، اراده و جدیت مردمی، غیرایدئولوژیک بودن و مطالبه‌محور بودن، می‌تواند شرایط سیاسی و امنیتی منطقه را شکل دهد. با توجه به تحولات جدید و ویژگی‌های خاص منطقه غرب آسیا، از جمله استمرار آشوبناکی، چندبُعدی بودن ماهیت تهدیدات، عدم توانایی نظرات امنیتی مکاتب موجود برای حل بحران‌ها، خالی کردن نفت و گاز منطقه غرب آسیا، ایجاد بستر لازم برای قبول الگوهای تحمیلی تأمین امنیت و لزوم اتخاذ استراتژی مناسب در تش‌زدایی، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که: «تأثیر ترتیبات امنیتی غرب آسیا بر امنیت جمهوری اسلامی ایران از منظر مکتب کپنهاگ چگونه است؟». پژوهش بر این فرضیه استوار است که: «رویکرد امنیتی ایران در غرب آسیا، مشارکت‌محور است؛ به نحوی که پیوند امنیت با توسعه، و بویژه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در اولویت آن قرار داشته است». روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و برای تحلیل موضوع، از نظریه امنیتی «باری بوزان»<sup>۱</sup> و «الی ویور» استفاده شده است.

## ۲. چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی، یک مکتب فکری است که بر جنبه‌های اجتماعی امنیت تأکید می‌کند (نصری، ۱۳۸۱). باری بوزان به‌عنوان نماینده اصلی مکتب کپنهاگ، بر این باور است که امنیت منطقه‌ای به امنیت ملی و امنیت بین‌المللی معنا می‌دهد. بدین ترتیب سیاست خارجی هر بازیگری در این است که از وجوه مختلف به امنیت توجه داشته باشد، و برای تحصیل امنیت ملی خود، ناگزیر است که امنیت ملی خود را به امنیت منطقه‌ای پیوند زند. وی ابعاد امنیت را در پنج بُعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و

زیست محیطی گسترش می‌دهد، و معتقد است که «امنیت مسئله‌ای بین‌ذهنی است». نگاه بازیگران منطقه‌ای به امنیتی شدن یک موضوع، توسط دیگر بازیگران معنا پیدا می‌کند، به این دلیل که ارزیابی بازیگران دیگر بر نحوه تصمیم‌گیری آنها اثرگذار است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ص ۱۳۷-۱۳۶). بوزان برخلاف باور رئالیست‌ها که امنیت را در گرو کسب قدرت دانسته و یا ایدئالیست‌ها که امنیت را در گرو صلح می‌دانند، معتقد است که در تعریف مفهوم امنیت، باید هم مفهوم صلح و هم مفهوم قدرت (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۱۶-۱۵) مدنظر قرار گیرد. بدین ترتیب ممکن است که یک موضوع برای کشوری تهدیدی امنیتی تلقی شود، در حالی که همان موضوع برای کشوری دیگر، یک مسئله معمولی باشد. این فرض را دو راهی امنیتی می‌گویند. در پژوهش حاضر از چهارچوب نظری مکتب کپنهاگ که بر امنیت چندوجهی و امنیت منطقه‌ای تأکید دارد، استفاده شده است. نظریه امنیت منطقه‌ای متأثر از مکتب کپنهاگ و با محور قرار دادن محیط امنیتی در سطح منطقه‌ای، تلاش دارد تا دستگاه مناسبی برای تحلیل مسائل امنیتی ارائه دهد. براساس این نظریه: «پدیده‌هایی که برای امنیت فیزیکی، تهدید ایجاد می‌کنند، حد و مرز مجموعه کشورهای متعاملی را که نظام‌های امنیتی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند، مشخص می‌کنند و به هم پیوند می‌دهند». در حال حاضر منطقه غرب آسیا از یک طرف به دلیل حضور نیروهای آمریکایی و از طرف دیگر به دلیل چالش‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و مسائل زیست محیطی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و... برای منافع ایران از امنیت کافی برخوردار نیست، و بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران نگران ترتیبات امنیتی آن بوده و در جستجوی الگویی است که بیشترین فایده و کمترین هزینه را برای منافع و امنیت ملی آن دربرداشته باشد. در این زمینه لازم است که ایران در مورد ترتیبات امنیتی منطقه غرب آسیا، به سوی همکاری «مشارکت جویانه» گام بردارد.

### ۳. مفاهیم

#### ۳-۱. امنیت ملی

امنیت در لغت به معنای در امان بودن، آسایش، و بی‌هراسی است (معین، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۵۴). در اصطلاح، تعاریف مختلفی برای آن ارائه شده، به طور مثال در تعریفی امنیت عبارت است از «وضعیتی که منافع حیاتی یک بازیگر از سوی دیگر بازیگران، یا در معرض تهدید نباشد، و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، آن بازیگر توان دفع و مدیریت آن را با هدف صیانت از منافع خود داشته باشد». در مجموع می‌توان گفت که امنیت در مفهوم سنتی دارای دو بُعد اصلی، جهت‌گیری خارجی و ماهیت نظامی است. اما در مفهوم نوین بیشتر بر عوامل غیرنظامی و انسانی تأکید می‌شود. به علت ابهام در تعریف امنیت و وجود تعاریف

مختلف از آن، باید مفهوم امنیت را در قالب گفتمان‌های مسلط تعریف کرد.

### ۳-۲. مجموعه امنیتی منطقه‌ای<sup>۱</sup>

یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای همواره دارای ویژگی‌هایی است که به اختصار می‌توان آنها را اینگونه بیان کرد.

(الف) این مجموعه معمولاً میان کشورهایی که دارای اشتراکات تمدنی و فرهنگی هستند، شکل می‌گیرد؛ زیرا امنیت ملی آنها به یکدیگر گره خورده است.

(ب) علت به وجود آمدن مجموعه امنیتی از یک سو به تعامل بین ساختار آنارشیک و پیامدهای آن در توازن قوا برمی‌گردد، و از سوی دیگر، نزدیکی کشورها به لحاظ جغرافیایی به یکدیگر است.

(ج) نزدیکی جغرافیایی کشورها به یکدیگر در هر منطقه‌ای وابستگی امنیتی به همراه دارد.

(د) معمولاً توزیع قدرت میان ابرقدرت‌ها با مجموعه‌های امنیتی در هر منطقه، به شیوه نفوذ اتفاق می‌افتد و این صف‌بندی ممکن است میان ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای شکل بگیرد، مثل نفوذ روسیه در سوریه و هند و یا نفوذ آمریکا در عربستان و پاکستان (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ص ۸۷-۹۳).

(ه) گستردگی تهدیدهایی که متوجه سرزمین، جامعه و حکومت سیاسی است، و میزان توانایی دولت برای اعمال یا جلوگیری از تهدید نسبت به سه عنصر قبلی.

### ۴. انواع الگوی روابط بین کشورها

الگوی روابط دوستی و دشمنی باری بوزان براساس نظریه الکساندر ونت<sup>۲</sup> و نظریه مارتین وایت<sup>۳</sup> شکل گرفته است؛ زیرا ونت براساس نظریه وایت (که سه نوع ساختار هابزی<sup>۴</sup>، لاکی<sup>۵</sup> و کانتی<sup>۶</sup> را ارائه می‌دهد)، سه نوع الگوی دشمنی، رقابتی و دوستی را در نظام بین‌الملل ارائه می‌دهد. با توجه به اینکه فرضیه پژوهش حاضر براساس الگوی روابط دوستی از طرف ایران درخصوص مجموعه امنیتی غرب آسیا است، در ادامه اشاره مختصری به این سه الگو می‌شود.

1. Regional Security Complex
2. Alexander Wendt
3. Martin Wight
4. Hobbes
5. Locke
6. Kant

#### ۴-۱. الگوی دوستی (کانتی)

در دیدگاه ونت، دوستی تنها مختص امنیت ملی است، طبق نظر وی دوستی میان کشورها براساس دو اصل بنا شده است. اول: اختلافات بدون توسل یا تهدید به جنگ حل و فصل می‌شود (قاعده عدم خشونت)؛ دوم: در صورت تهدید طرف ثالث علیه امنیت هریک از آن دو، به صورت دسته‌جمعی و با هم خواهند جنگید (قاعده کمک متقابل). براساس این دو قاعده، پیوند میان کشورها معمولاً براساس ایجاد یک نظام امنیت دسته‌جمعی است، این امنیت بر پایه کمک متقابل همه اعضای نظام به یکدیگر است که در مقابل تهدیدات از یکدیگر دفاع می‌کنند (ونت، ۱۳۸۴: ص ۴۳۶).

#### ۴-۲. الگوی رقابتی (لاکی)

الگوی رقابتی دارای چهار پیامد برای سیاست خارجی یک دولت است: اول، اگر دولت‌ها هر نوع اختلاف و تنش با یکدیگر دارند، باید طرفدار حاکمیت موجود در کشورهای یکدیگر باشند. دوم، دولت‌های دشمن باید بر پایه دفع خطرات عمل کنند و تصمیم‌گیری آنها باید براساس قدرت نسبی و افقهای کوتاه‌مدت باشد. سوم، قدرت نظامی همچنان اهمیت نسبی خود را دارد؛ زیرا رقبا می‌دانند که احتمال این می‌رود که دیگران از زور برای حل و فصل مسائل استفاده کنند. چهارم، اگر اختلافات به جنگ بیانجامد، رقبا خشونت خود را محدود خواهند کرد (ونت، ۱۳۸۴: ص ۴۱۲).

#### ۴-۳. الگوی دشمنی (هابزی)

الگوی دشمنی چهار پیامد سیاست خارجی برای یک دولت به همراه دارد: نخست، دولت‌ها به نابودی دشمن خود تلاش خواهند کرد؛ دوم، تصمیم‌گیری دولت‌ها نسبت به آینده دشمنانشان بدبینانه‌ترین شکل ممکن است؛ سوم؛ قدرت به رمز بقاء تبدیل می‌شود و در نتیجه حتی دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود، به شدت مسلح خواهند شد؛ چهارم، اگر کار به جنگ واقعی بکشد، دولت‌ها براساس شرایط دشمنی، خواهند جنگید، یعنی هیچ حد و حدودی برای خشونت خود قائل نمی‌شوند (ونت، ۱۳۸۴: ص ۳۸۲). به طور مثال در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، الگوی دشمنی غالب است، و این الگوی هابزی از اختلافات ایدئولوژیکی میان آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظم لیبرالیسم آمریکایی، نشأت می‌گیرد. در واقع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی نظم لیبرال آمریکایی را به عنوان نظم هژمون به چالش کشید، و ادعای برقراری نظم عادلانه در جهان را فریاد زد. بر این اساس، آمریکا در نظر انقلابیون ایرانی به عنوان شیطان بزرگ تلقی شده و به تبع آن سفارتخانه آمریکا (لانه جاسوسی) توسط انقلابیون تسخیر شد. نتیجه اینکه

آمریکایی‌ها در طول چهار دهه اخیر تلاش کردند تا با گزینه‌های مختلفی از جمله تهدید به حمله نظامی، سیاست تغییر رژیم، سیاست تجزیه ایران، تحریم اقتصادی، انزوای سیاسی و بین‌المللی و صرف میلیاردها دلار، جمهوری اسلامی ایران را از بین ببرد.

### ۵. الگوهای امنیت منطقه‌ای غرب آسیا

۱-۵. دفاع دسته‌جمعی: این الگو در قالب جامعه ملل متحد شکل گرفت، و در واقع هدف از آن دفاع دسته‌جمعی و حفاظت متقابل اعضای جامعه ملل متحد از یکدیگر در مقابل تهدید خارجی بوده است، این الگو غالب‌ترین شکل امنیتی در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی است.

۲-۵. امنیت دسته‌جمعی: الگوی امنیت دسته‌جمعی به منظور ایجاد آرامش و عدم وقوع درگیری میان دولت‌ها، احیای آرامش و صلح بعد از نقض آن، ایجاد آرامش و صلح به منظور جلوگیری از خطر درگیری و جنگ شکل می‌گیرد و فرق آن با «اتحاد» در عدم هم‌فکری دولت‌های عضو اتحاد است، تنها اعضای اتحاد در عدم استفاده از زور در اختلافات و مقابله با خشونت به طور جمعی توافق کردند.

۳-۵. امنیت مبتنی بر همکاری: این الگو ضمن توسعه مفهوم امنیت به سایر حوزه‌های غیرنظامی مانند حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی، سعی دارد تا دولت‌ها به جای رقابت، به همکاری متقابل در برابر مخاطرات پایدار و تهدیدات و چالش‌های نوظهور بپردازند و بر سوءتفاهماتی که خطرات سیاسی ایجاد می‌کند، غلبه کنند.

### ۶. مؤلفه‌های قدرت ملی ایران و منطقه‌گرایی

مؤلفه‌های قدرت ملی ایران عبارتند از: برخورداری از موقعیت تاریخی - تمدنی، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، و موقعیت سیاسی - امنیتی، که این مؤلفه‌ها در نظام امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌گونه‌ای ترتیب یافته است که باید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، همراه با رویکردهایی مانند رویکرد امنیتی - سیاسی، رویکرد ژئوپلیتیکی - جغرافیایی و یا رویکرد فرهنگی - تاریخی باشد، تا منافع ملی کشور در منطقه تأمین شود (برزگر، ۱۳۸۸: ص ۲۵).

#### ۶-۱. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک (تنهایی استراتژیک)

از دید ژئوپلیتیک، ایران یکی از پرجمعیت‌ترین، وسیع‌ترین و غنی‌ترین کشورهای منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌رود، که به لحاظ موقعیت جغرافیایی می‌تواند شاهراه اقتصادی و ارتباطی جهان باشد. از طرفی، مهم‌ترین موقعیت جغرافیایی ایران، وقوع در قلب هلال شیعی است، یعنی قرارگیری ایران در مناطق شیعه‌نشین

غرب آسیا، اهمیت ژئوپلیتیکی ایران را چند برابر کرده است؛ زیرا این مناطق به دلیل فراوانی ذخایر نفت و گاز، و همچنین بازار اقتصادی مناسب برای کالاهای تولیدی کشورهای صنعتی، بسیار مهم می‌باشد. از این رو جمهوری اسلامی ایران با توجه به اشتراکات فرهنگی بسیار با مردم مناطق شیعه‌نشین، می‌تواند خود را به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا تعریف کند، که ضمن نقش‌آفرینی در تحولات منطقه غرب آسیا، در راستای منافع ملی به تصمیم‌گیری در مورد تحولات مهم منطقه نیز مبادرت کند. موقعیت استراتژیک ایران در منطقه غرب آسیا، به «تنهایی استراتژیک» تعبیر می‌شود، این مفهوم اشاره به واقعیتی دارد که در آن «ایران، چه آگاهانه و خودخواسته، و چه ناخواسته و از روی ناچاری، به‌گونه‌ای استراتژیک تنهاست و محروم از هرگونه اتحادهایی معنادار و متصل به قدرت‌های بزرگ است». تنهایی استراتژیک ایران اشاره به وضعیتی است که در آن ایران فاقد هرگونه اتحاد طبیعی با ابرقدرتی جهانی و یا قدرتی بزرگ است؛ فقدانیه که با پیروزی انقلاب اسلامی، بحران گروگان‌گیری و در نهایت جنگ تحمیلی و در ادامه پرونده هسته‌ای، بیش از پیش تشدید شد. ایران دچار تنهایی استراتژیک است، یعنی در تدوین، کاربرد و پیشبرد استراتژی‌های کلان خود، تنها است (Mesbahi, 2011: p. 9).

## ۶-۲. موقعیت تاریخی - تمدنی (دولت ملی قوی)

کشور ایران با توجه به فرهنگ و تمدن قوی و ریشه‌دار مردمی، هر وقت که اراده کرده، از پس هر چالش و درگیری با موفقیت عبور نموده، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، وقوع جنگ تحمیلی و ایجاد چالش‌های پرونده هسته‌ای، تحریم‌های اقتصادی و شکل‌گیری مقوله «تنهایی استراتژیک» برای کشور ایران، نشان می‌دهد که ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ قصد دارند از شکل‌گیری ایران قدرتمند ممانعت کنند، اما حضور مردم در صحنه و حمایت از حاکمیت و دولت‌مردان باعث شده تا جمهوری اسلامی ایران از پس تمام چالش‌ها سربلند بیرون بیاید.

تحولات سریع منطقه‌ای، ضرورت معرفی یک راهکار را اجتناب‌ناپذیر می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان راهکار «درونی‌سازی قدرت» یاد کرد. در واقع راهکار درونی‌سازی قدرت، بالا بردن و تقویت قدرت ملی بوده، و از آنجاکه قدرت ملی شامل هم مؤلفه‌های معنوی و هم مؤلفه‌های مادی است، باید تمام مؤلفه‌های مادی و معنوی ارتقاء یابد. بدین ترتیب توسعه قدرت جمهوری اسلامی ایران از راه متنوع کردن عناصر قدرت و ارتباط با محیط پیرامونی از یک طرف، و بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک جهت برطرف کردن خطرات امنیتی، از طرف دیگر است.

### ۶-۳. موقعیت سیاسی - امنیتی

مهم‌ترین مؤلفه قدرت ملی ایران ناشی از رابطه عمیق ملت و دولت است، که نقش ممتازی در مسائل منطقه‌ای به ایران می‌دهد، و در صورت گسست در رابطه دولت و ملت، قدرت ملی را نمی‌توان با هم‌پیمانی قدرت‌های بزرگ، گروه‌های غیردولتی نظامی منطقه‌ای و مسلح شدن با موشک، بمب هسته‌ای، تانک و هواپیما، تعریف کرد. بنابراین، دولت ایران ضمن تقویت رابطه با ملت خود، تلاش می‌کند تا با حمایت از گروه‌ها و احزاب سیاسی دوست در کشورهای منطقه، و حمایت از نسل جدیدی از نخبگان در ساخت قدرت کشورهایی که دیدگاه‌های دوستانه درباره ایران دارند، و به راحتی وارد ائتلاف‌های ضدامنیتی و منافع ملی ایران نمی‌شوند، قصد ایفای نقش بسیار مهمی در منطقه غرب آسیا دارد. در واقع ایران باید تلاش کند با بهره‌گیری از ابزارهای داخلی و خارجی، حداکثر منافع خود را با افزایش توانمندی‌های نسبی، از طریق ایجاد موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا تأمین کند. بنابراین، کارآمدترین استراتژی سیاست خارجی ایران باید تعریف چند اصل کلان در استراتژی ژئوپلیتیک خود باشد، و با توجه به ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای، سیاست خارجی خود را با محیط در حال انتقال سیاسی در منطقه سازگار کند.

### ۷. ترتیبات امنیتی موجود در منطقه غرب آسیا

الگوی هژمونیک، الگوی مشارکتی و الگوی توازن قوا، معمولاً به عنوان الگوهای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای اعمال نفوذ و به دست آوردن منافع ملی خودشان در نظام بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرند.

#### ۷-۱. الگوی هژمونیک

براساس این الگو، صف‌بندی مجموعه‌ای از کشورهایی که منافع مشترک دارند، علیه مجموعه‌ای از کشورهای دیگری که با منافع ملی آنها در تضاد هستند، و قصد دارند از طریق عملیات نظامی و یا فشار اقتصادی علیه آنها سیاست بازدارندگی را اعمال کنند، اتفاق می‌افتد. به طور مثال، ایران و عربستان با توجه به تعریفی که از اسلام سیاسی ارائه می‌دهند، الگوهای مختلفی از امنیت منطقه‌ای را در نظام سیاسی خود ترسیم می‌نمایند (یزدان فام ۱۳۹۰: ص ۳۱). این بدان معنا است که مثلاً آمریکا با حمایت از عربستان قصد دارد تعادلی را در منطقه غرب آسیا برقرار کند. چون توازن قوا در منطقه غرب آسیا موجب ثبات و امنیت منطقه می‌شود و این کار به منظور بازدارندگی نقش سایر بازیگران منطقه‌ای است. در واقع عربستان به کمک آمریکا و با رویکرد وهابی، ایران با رویکرد حمایت از جریانات شیعی در منطقه و ترکیه با رویکرد حمایت از جریانات اخوانی و

احیای امپراتوری عثمانی در منطقه غرب آسیا، باعث شکل‌گیری تقابل سه اندیشه شیعی، وهابی و اخوانی در منطقه غرب آسیا شده و این منطقه را آبهستن حوادث ناگوار در منطقه نموده‌اند.

### ۷-۲. الگوی مشارکتی

در این الگو، امنیت به‌طور فزاینده‌ای به منزله ملك مُشاعی تعریف می‌شود که قابل تقسیم نیست. این رویکرد يك فرآیند تدریجی است، که قصد تأمین دغدغه‌های امنیتی سیاستمداران را دارد و نوعاً از الگوهای غیرنظامی برای ایجاد امنیت حمایت می‌کند. اصولاً الگوی مشارکتی برای ارتباط بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته و قصد ایجاد اعتماد بین کشورهای منطقه‌ای دارد، که این موضوع می‌تواند از طریق مذاکره، همکاری و توافق میان دولت‌ها انجام شود. در واقع توسعه امنیتی براساس همکاری و توافق، روندی تکاملی بوده و از طریق شکل دادن به مجموعه‌ای از ابزارها است، که مشخصاً به اصول امنیت مبتنی بر همکاری، کمک می‌کنند، به‌دست می‌آید.

### ۷-۳. الگوی موازنه قدرت

نظریه موازنه قدرت بر این اصل استوار است که امنیت بین‌المللی زمانی افزایش می‌یابد که قدرت نظامی به نحوی توزیع شده باشد که هیچ دولتی به اندازه‌ای که توانایی تفوق آمدن بر دیگر دولت‌ها را داشته باشد، قدرتمند نباشد. در این الگو، نظام تابع منطقه‌ای متشکل از یک یا چند کشور همگرا با مشارکت قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد و بر الگوی رقابت و منازعه تأثیر می‌گذارد. تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، الگوهای تعامل و کنش بازیگران در امنیت منطقه‌ای را دگرگون می‌سازد. تولید و گسترش سلاح‌های پیشرفته و کشتار جمعی، سامانه‌های موشکی کارآمد و پیشرفته بعد از دوران جنگ سرد، موازنه امنیت منطقه‌ای را دچار دگرگونی کرده است. بر این اساس، آمریکا در تلاش است تا هژمونی قدرت خود را در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی توسعه دهد. این تغییرات باعث شکل‌گیری یک نظم نوین منطقه‌ای شده است، در این بین ایران نیز تمام تلاش خود را بر افزایش قدرت و نفوذ در منطقه قرار داده، تا توازن منطقه‌ای را به نفع خود حفظ کند (متقی، ۱۳۹۲: ص ۱۶۸).

### ۸. نظم امنیتی غرب آسیا در سه دهه اخیر

براساس نظریه «مجموعه‌های منطقه‌ای»<sup>۱</sup> باری بوزان، جهان هفت منطقه بوده و هر منطقه‌ای فرمول

امنیتی و شیوه حل منازعه<sup>۱</sup> خاص خود را دارد.

خاورمیانه با توجه به تداخل جریانات مختلف ملی، قومی، دینی، مذهبی و بین‌المللی، شاهد جنگ‌های خونین بوده و الگوی غرب برای حل بحران‌ها و منازعات خاورمیانه، نه تنها مناسب نیست، بلکه تشدیدکننده منازعات منطقه نیز می‌باشد (نصری، ۱۳۸۱).

باری بوزان معتقد است که، در منطقه غرب آسیا با وجود مداخله مداوم قدرت‌های بزرگ، چند دهه میان تمام کشورهای منطقه یک نظام امنیتی مستقل منطقه‌ای شکل گرفته بود و امنیت منطقه غرب آسیا را تأمین می‌کرد. اما ساختار مناسبی برای ممانعت و کنترل منازعات و درگیری‌ها در آن شکل نگرفته بود. بدین ترتیب این نظام امنیت منطقه‌ای مستقل بسیار شکننده بود؛ زیرا هرگونه توافق صلح‌آمیز در یک منطقه مستلزم تعهدات منطقه‌ای فراگیر است، به همین دلیل هرگاه در منطقه‌ای همکاری نهادمندی وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار نظم امنیت مستقلی را شاهد بود. این امر منجر به باز شدن پای بیگانگان و قدرت‌های بزرگ در هر منطقه‌ای می‌شود (Buzan & Waver, 2003: 187). تبعات جنگ‌های جهانی اول و دوم، وقوع جنگ‌های متعدد میان اعراب و اسرائیل، وقوع جنگ خلیج فارس و درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی میان کشورهای عربی، ظهور جنبش‌های اسلامی مختلف که مخالف نظم موجود بودند، و نیز رشد بنیادگرایی اسلامی سبب شدند تا منطقه خاورمیانه تداعی‌گر خونریزی‌ها و درگیری‌ها باشد. (Ayustns, 1995: p. 35). در واقع باید گفت یک تعارض اساسی در تعریف نظام امنیتی منطقه خاورمیانه موجود است، یعنی خاورمیانه منطقه‌ای بدون منطقه‌گرایی است؛ زیرا فارغ از درگیری کشورهای مسلمان با اسرائیل، خود کشورهای اسلامی در منطقه نیز هیچ پیوند منطقه‌ای باثباتی بین خود ایجاد نکرده‌اند (بالامیر کاسکان، ۱۳۹۵). با این حال برخی معتقدند، نظم امنیتی منطقه خاورمیانه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکست عراق از نیروهای ائتلاف بین‌المللی و خروج از کشور کویت، آمریکا برای حفظ ثبات و پایداری منطقه خاورمیانه، طرحی ارائه کرد که دارای ویژگی‌هایی مانند: صلح آمریکایی (حل و فصل جامع مسائل میان اعراب و اسرائیل با پشتیبانی آمریکا)، محدود ساختن نفوذ دو قدرت تجدیدنظرطلب (عراق و ایران)، استثناء قائل شدن برای اعراب خودکامه (این اجازه به شریکان عرب خودکامه آمریکا داده شد، تا در جهت حفظ نظم در خاورمیانه حرکت کنند، و همچنین این اجازه نیز به آن‌ها داده شد تا با شهروندان خود به صورت غیردموکراتیک برخورد نمایند)، بود (Indyk, 2015).

## ۹. ساختارهای تأثیرگذار بر نظم و امنیت غرب آسیا

### ۹-۱. بحران ژئوپلیتیکی<sup>۱</sup>

بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. به طور کلی بحران‌های ژئوپلیتیکی دارای ویژگی‌های زیر هستند:

الف) موضوع و عامل بحران عبارتند از: کنترل، مداخله و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی، نظیر مکان، فضا، موقعیت، آب، منبع معدنی، مردم هم‌کیش، اقلیت‌ها، زیارتگاه‌ها، بازار صادراتی، مسیر انتقال کالا، انرژی، توریسم، جزیره، تنگه، خط مرزی، مکان‌های مذهبی، قدرت منطقه‌ای، مداخله‌گران منطقه‌ای و نظایر آن.

ب) بحران ژئوپلیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به سادگی قابل حل و برطرف شدن نیست؛ زیرا موضوع بحران و کشمکش‌ها ارزش‌های جغرافیایی هستند که در زمره منافع ملی و جمعی به‌شمار می‌آیند.

ج) حل بحران‌های ژئوپلیتیکی مستلزم شرایطی مانند: وجود فضای حُسن نیت و روابط دوستانه بین دو طرف موضوع بحران، نظیر تعیین خطوط مرزی خشکی و دریایی، تقسیم‌پذیر بودن ارزش جغرافیایی و منفعت متعارض، نامتوازن بودن مناسبات قدرت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۲۹-۱۲۶).

صدور بحران به فضای ملی و سرزمینی کشورها در یک فضای رقابتی و بحرانی، در واقع جنگی اعلان نشده برای کشورها و مجموعه امنیتی منطقه محسوب می‌شود. علاوه بر این، تأثیر موقعیت‌های بحرانی بر ادراکاتی که در آن تصمیم‌گیرندگان باید تصمیمی اتخاذ کنند، غیر از موقعیت‌های غیربحرانی و عادی است. در چنین حالاتی، فرایندهای تصمیم‌گیری، محدودیت‌ها و فشارهای وارده، متفاوت از موقعیت‌های عادی است. موقعیت بحرانی، تصمیم‌گیرنده را در معرض انواع انتخاب‌ها قرار می‌دهد و تصمیم‌گیرنده وادار می‌شود که به شیوه خاصی به آن انتخاب‌ها بنگرد. چنین موقعیت‌هایی میل تصمیم‌گیرنده به رفتارها و اقدامات عقلایی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. تصمیم‌گیرندگان در موقعیت‌های بحرانی بدون استرس یا استرس پایین، عقلایی‌تر و سنجیده‌تر تصمیم می‌گیرند.

### ۹-۲. نقش نیروهای فروملی در ساختار امنیتی منطقه‌ای

در تحلیل وقایع سیاسی غرب آسیا، لزوم توجه به نقش و تأثیرگذاری فرهنگ‌ها و گروه‌های فروملی امری

ضروری به‌شمار می‌رود. (Miller, 2016)؛ زیرا آنها در بسیاری از رویدادهای سیاسی منطقه، نقش غیرقابل انکاری دارند، و با تضعیف ساختار دولت - ملت، عملاً تأثیرگذاری نیروهای محلی و گروه‌های فروملی بر ساختار امنیتی منطقه غرب آسیا افزایش پیدا کرده است. همزمانی افزایش بازیگران محلی آشوب‌طلب با روند رو به ضعف دولت‌های ملی، و تلاش گروه‌های تروریستی مانند داعش برای خشونت‌آفرینی در نظم و امنیت منطقه و همچنین روند رو به رشد فعالیت بازیگران فروملی مانند کردها، محور مقاومت (حزب‌الله و حماس)، معارضان عراقی و سوری، و حضور فعال احزاب و گروه‌های ذی‌نقوذ برای نقش‌آفرینی، باعث پیچیده شدن تحولات منطقه غرب آسیا شده است. از طرفی، سیاست‌های بحران‌آفرین آمریکا در منطقه و تلاش برای تنش‌آفرینی میان کشورهای محور مقاومت با بحران قومیتی، تجزیه‌طلبی و دامن زدن به اختلافات مذهبی، باعث شده که غرب آسیا به منطقه‌ای تنش‌آلود تبدیل شود.

### ۹-۳. بازخیزی رقابت‌های ژئوپلیتیک بین ایران، عربستان سعودی و ترکیه

منطقه غرب آسیا بعد از حمله آمریکا به عراق، شاهد یک نوع بی‌نظمی منطقه‌ای شده است، در واقع دولت‌های منطقه غرب آسیا خواستار تعریفی نو از سیستم امنیت منطقه‌ای برای دستیابی به منافع ملی خود هستند؛ زیرا منطقه غرب آسیا شاهد تحولاتی مانند بهار عربی، سقوط دیکتاتورهای منطقه، جنگ داخلی در یمن و سوریه و ظهور تروریست‌های داعش در سوریه و عراق بوده، که باعث ایجاد رعب و وحشت در میان ملت‌ها و دولت‌های منطقه شده است. این وقایع و حضور فعال آمریکا در منطقه نشان‌دهنده ظهور یک نظم سیاسی نوین در منطقه غرب آسیا است، نظمی که می‌تواند میان قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای یعنی ایران، عربستان و ترکیه، یک نوع رقابت فزاینده را ایجاد کند، و ایران به عنوان یک بازیگر باثبات و قدرتمند منطقه‌ای، خواستار ارائه تعریفی نو از نظم سیاسی در منطقه و ایجاد یک موازنه قدرت در منطقه است، هرچند این موازنه شکننده باشد؛ زیرا این موازنه هرچند شکننده، برای حفظ نظم سیال منطقه‌ای، لازم است و به همین دلیل ایران باید به همکاری کوتاه مدت میان قدرت‌های منطقه‌ای ادامه دهد.

### ۹-۴. تأثیر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ایجاد نظم امنیتی غرب آسیا

وقوع انقلاب‌ها و کودتاها و بروز جنگ‌های داخلی و خارجی و رقابت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در غرب آسیا، امنیت آن را به شدت بی‌ثبات و شکننده کرده است. از طرفی استقبال قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای از درگیری‌های منطقه‌ای و بروز جنگ‌های نامتوازن و فرسایشی، و نیز دفاع قدرت‌های فرامنطقه‌ای از شبه حاکمیت‌ها در منطقه، مانند اقلیم کردستان و دولت‌های فرومانده مانند یمن و عراق، زمینه را برای دخالت‌های

خود مهیاء کرده‌اند، و علاقه قدرت‌های فرامنطقه‌ای به جنگ‌افروزی و خشونت‌آفرینی در منطقه غرب آسیا و ایجاد شکاف‌های قومی و مذهبی باعث شده تا ارزش استراتژیک منطقه خاورمیانه (غرب آسیا) کاهش یابد.

### ۹-۵. محیط امنیتی ایران (۲۰۰۰-۱۹۷۹م) در سطح منطقه‌ای

پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران از اردوگاه غرب، موازنه قدرت منطقه‌ای میان دو ابرقدرت دوران جنگ سرد را دگرگون کرد و آمریکایی‌ها را به واکنش واداشت. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، تأسیس نیروهای واکنش سریع، ارائه تئوری «اطاق بحران» از سوی برژینسکی و جنگ ستارگان ریگان، از جمله این اقدامات بود. آمریکایی‌ها بدین طریق توانستند تقریباً عدم موازنه ناشی از خروج ایران از اردوگاه غرب و اشغال افغانستان به دست شوروی را جبران کنند، و موقعیت ژئوپولیتیک خود را در منطقه بهبود بخشند. بنابراین، پایان جنگ سرد اگرچه خطر همسایه شمالی ایران (شوروی) را کم کرد، و به نوعی رابطه ایران و شوروی و پیوندهای سیاسی، تسلیحاتی و اقتصادی میان دو کشور رو به بهبود گذاشت، اما در حوزه امنیتی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، نگرانی‌هایی را به وجود آورد و دست آمریکا و اسرائیل را برای بر اعمال فشار بر ایران بازتر کرد. با این وصف، احتمال دارد منازعات منطقه‌ای جدیدی در حوزه محیط امنیتی ایران، به‌ویژه در ضلع شمالی کشور بوجود آید.

### ۱۰. راهکارهای امنیت‌سازی ایران در غرب آسیا

هم‌اکنون ویژگی اصلی امنیت منطقه‌ای غرب آسیا را نشانه‌هایی از آشوب و بی‌ثباتی امنیتی تشکیل می‌دهد. در شرایط بحران و آشوب امنیتی، بخش قابل توجهی از کشورهای پیرامونی ایران، الگوی رفتار سیاسی خود با ایران را براساس رویارویی و سنگ‌بندی شکل داده‌اند. کشورهایمانند عربستان و امارات متحده عربی، سطح روابط امنیتی و دیپلماتیک خود با تل‌آویو را ارتقاء داده‌اند. چنین رویکردی به مفهوم آن است که تضادهای آمریکا و کشورهای منطقه‌ای علیه ایران در حال افزایش است. از سوی دیگر، قدرت‌یابی طالبان و تضادهای ایدئولوژیکی و سیاسی و نیز معادلات حل نشده در شمال غرب ایران و قفقاز، مسئله امنیت را برای ایران بیش از گذشته حیاتی کرده است؛ خصوصاً اینکه تهدیدات امنیتی وضعیتی فراگیر، چندوجهی و پایدار پیدا کرده‌اند. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از سیاست دولت قوی به جای منطقه قوی، اصلی‌ترین ضرورت امنیت‌سازی منطقه‌ای محسوب می‌شود. ایران به‌عنوان کشوری تاثیرگذار، خواهان سهمی از توازن قدرت در منطقه غرب آسیا است (حسن‌خانی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۱۲۱). ایران باید استراتژی همه‌جانبه و اصولی با توجه به واقعیت‌های منطقه غرب آسیا را طرح‌ریزی نماید؛ به طوری که زمینه‌های لازم

برای وارد شدن به صحنه‌های قدرت را با کمترین هزینه و در بهترین سطح برای تأمین منافع ملی در منطقه مهیاء کند. مهم‌ترین اصول این استراتژی عبارتند از: ترسیم چشم‌اندازی بلندمدت برای حفظ ثبات و امنیت پایدار با آگاهی بر تحولات منطقه‌ای و جهانی، شناسایی و تدوین سیاست‌های متناسب برای درک تهدیدها و چالش‌های داخلی و خارجی در تقابل با جلوه‌های بحرانی مسائل خارجی، تحقق اقتدار ملی و بین‌المللی منطبق با منافع همه‌جانبه کشور، تلاش برای بازنمایی و تعدیل تهدیدها و چالش‌های پیش‌روی حاکمیت سیاسی کشور (آذرشب و مؤمنی، ۱۳۹۶: ص ۱۵۵). ایران برای مقابله با دشمن، نیاز به جنگ‌افزارهای نوین و تسلیحات پیشرفته دارد، تجهیزات نظامی ایران باید روزآمد شود؛ به خصوص در نبردهای هوایی، نیاز مبرم ایران به هواپیماهای نسل چهارم و پنجم و موشک‌های دفاعی اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰ کاملاً حس می‌شود. هرچند ایران در تجهیزات نظامی به خصوص در ساخت موشک‌های با بردهای مختلف و ساخت پهپادهای پیشرفته، به نتایج چشمگیری رسیده است، ولی واردات تکنولوژی ساخت هواپیماهای جنگی را نمی‌توان نادیده گرفت، و با وجود تحریم‌های همه‌جانبه دشمن علیه ایران و ناتوانی از واردات تسلیحات نظامی به ایران، باید تلاش کرد تا تکنولوژی ساخت و تولید جنگ‌افزارهای نسل جدید از هر طریقی که شده، وارد کشور شوند، تا متخصصین جوان کشور جنگ‌افزارهای دفاعی نسل جدید را تولید کنند. ایران با ورود تکنولوژی جنگ‌افزارهای جدید، به خصوص ساخت هواپیماهای جنگی، عملاً به سمت درونی‌سازی قدرت خواهد رفت و این موضوع می‌تواند عملاً ایران را به ابرقدرت منطقه‌ای تبدیل کرده و از حمله دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حفظ نماید. البته نباید فراموش کرد که در نبردهای دریایی، توسعه قایق‌های تندرو و نصب جنگ‌افزارهای نوین روی آن، همچنین ساخت هواپیماهای آبی برای مقابله با مزاحمت‌های آمریکا که در آب‌های مجاور ایران حضور دارند، امری ضروری است. ایران در راستای درونی‌سازی قدرت باید اقدامات مهمی مانند: توسعه و تولید انبوه جنگ‌افزارهای داخلی به‌منظور خنثی کردن تحریم‌های تسلیحاتی آمریکا، آموزش نیروهای مقاومت در لبنان، عراق، فلسطین، یمن، سوریه، ضربه زدن به منافع اقتصادی و پایگاه‌های نظامی دشمنان از طریق نفوذ به آنها را طرح‌ریزی نماید.

## ۱۱. نتیجه‌گیری

حفظ امنیت همه‌جانبه غرب آسیا را تنها با ابزارهای نظامی نمی‌توان برقرار کرد. راه‌حل تنش‌زدایی و برقراری ارتباط دوستانه و همکاری دولت‌های منطقه و دوری از هرگونه تنش و اختلاف بین دولت‌ها می‌تواند راهکار مناسبی باشد، در این میان نمی‌توان نقش مهم جمهوری اسلامی ایران را نادیده گرفت. با توجه به اینکه

امنیت منطقه حول ایجاد «امنیت جمعی» دور می‌زند، بهترین راه نیل به چنین هدفی، اقدامات اعتمادسازانه در جهت ایجاد اعتماد است. جمهوری اسلامی ایران به دنبال سیاست تنش‌زدایی در منطقه غرب آسیا است. این هدف محقق نمی‌شود، مگر از طریق همکاری همه‌جانبه دولت‌های غرب آسیا با یکدیگر. در واقع ایران با این تنش‌زدایی‌ها قصد دارد، اولاً، جایگاه خود را در منطقه غرب آسیا تحکیم بخشد، و ثانیاً، از نقش‌آفرینی فزاینده قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه غرب آسیا کاهش دهد، تا در نهایت آنها را از منطقه حذف نماید. جمهوری اسلامی ایران همواره در محیط پیرامونی خود با چالش‌های مختلفی مواجه بوده، و این چالش‌ها نیز در یک منطقه امنیتی، همواره بازتولید می‌شود. وجود افراط‌گرایی، تروریسم، دولت‌های ضعیف ناکارآمد و حضور آمریکا در منطقه، مهم‌ترین چالش‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. ایران به عنوان یکی از بازیگران عمده امنیتی غرب آسیا، با توجه به مولفه‌هایی همچون چشم‌انداز خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، اهمیت قابل توجهی برای حمایت از دولت‌های منطقه، به‌مثابه یکی از منابع قدرت خود، برای به چالش کشیدن رقبای قاتل است. لذا، اهمیت شناخت این مسئله از حیث امنیت ملی ایران یک ضرورت محسوب می‌شود. منطقه غرب آسیا سال‌ها است که از پدیده تروریسم و تهدیدات امنیتی و در نتیجه افزایش ناامنی، به دلیل سقوط شوروی و تغییر نظم جهانی از حالت دوقطبی به تک‌قطبی، و چندقطبی و ایجاد خلاءهای امنیتی و در نتیجه اهمیت یافتن مناطق در معادلات بین‌المللی، رنج می‌برد. بعد از فروپاشی شوروی، رقابت برای پر کردن خلاءهای امنیتی، به‌ویژه در غرب آسیا، توسط قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جریان بوده است. این مسأله باعث برهم خوردن امنیت منطقه‌ای غرب آسیا و فراتر از آن شده است. در این میان ایران صرفاً امنیت خود و شهروندان خود را در نظر نگرفته، و همواره با توسل و وفاداری به ارزش‌های اسلامی، صلح و امنیت همه مردمان منطقه و جهان را در نظر می‌گیرد. ایران همواره در مسائل منطقه‌ای خویشتن‌داری نشان داده و حامی برقراری صلح و امنیت است. برای مثال در ارتباط با یمن، ایران از ابتدای بحران بر راه‌حل سیاسی و گفت‌وگو تأکید کرده و به‌صورت مستقیم مداخله نظامی انجام نداده است. در واقع ایران، امنیت منطقه را از امنیت ملی خود جدا نمی‌داند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری، طبق آموزه‌های اسلامی، رویکرد و راهبرد کلان منطقه‌ای خود را راهبردی مقاومتی علیه ترتیبات سیاسی و امنیتی آمریکا و غرب، انتخاب کرد. نکته دیگر اینکه، جمهوری اسلامی ایران برخلاف رویه معمول در سیاست بین‌الملل، اصل را بر روابط میان‌دولتی قرار نمی‌دهد و توجه و اولویت خود را، بخصوص در غرب آسیا، بر ملت‌های منطقه معطوف نموده است. «دفاع از دور» و «عمق راهبردی» از مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی است، امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجبات کشور هم واجب‌تر است. لذا، عمق راهبرد

جمهوری اسلامی برای مبارزه با تروریسم، محدود به داخل و مرزها نیست، بلکه هر تهدید جدی علیه صلح، امنیت ملی و منطقه‌ای را با حضور قانونی خود، یعنی به خواست دولت‌ها، پاسخ می‌دهد. به صورت کلی، راهبرد و رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران، طرح قدرت‌های فرامنطقه‌ای را خنثی، تروریست‌ها را سرکوب کرده و امنیت ملی خود را تأمین کرد.

## منابع

- آذرشب، محمدتقی؛ مؤمنی، سید محمدجواد (۱۳۹۶). الزامات امنیت منطقه‌ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه. راهبرد سیاسی، ۲۱(۲).
- بالامیر کاسکان، بیژن (۱۳۹۵). *منطقه‌گرایی و امنیتی‌سازی در خاورمیانه*. قابل دسترس در: سایت موسسه ندا.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهجمی و تدافعی. *روابط خارجی*، شماره ۱: ص ۱۱۸-۱۵۸.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ ویور، آلی (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها*. ترجمه رحمان قهرمانپور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: انتشارات پاپلی.
- حسنخانی، سعید، اخباری، محمد؛ حیدری، غلامحسن (۱۳۹۹). راهکارهای پیشینه‌سازی قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دوره گذار ژئوپلیتیکی در غرب آسیا. *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۵(۱۱).
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). *نظریه‌های امنیت*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲). تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی. راهبرد، شماره ۶۷.
- معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ج ۱.
- نصری، قدیر (۱۳۸۱). *مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی*. *مطالعات دفاعی و امنیتی*، شماره ۳۳: ص ۳۳-۵۸.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: وزارت امور خارجه.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰). تحولات جهان عرب، صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه. *مطالعات راهبردی*، ۱۴(۲).
- Ayustns Richard, N. (1995). *Civil Society in the Middle East*. New York: E. Y. Brill.
- Buzan, B. & Weaver, O. (2003). *Regions and Power: The Structure of International Security*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Indyk, M.S. (2015). *A return to the Middle Eastern great game*. Available at: <http://www.brookings.edu>.
- Mesbahi, M. (2011). Free and confined: Iran and the International system. *Iranian Review of foreign Affairs*, 5(2): p. 9-34.
- Miller, B. (2016). *Religions and ethnic tensions are analyzing middle east Politics*.  
URL= <https://phys.org/news/2016-11-religious-ethnic-tensions-critical-middle.html>